روزنامه شرق

سال سوم ■ شماره ۸۳۵ ■ چهارشنبه ۲۵ مرداد ۱۳۸۵ ■ ۲۱ رجب ۱۴۲۷ ■ ۱۶ آگوست ۲۰۰۶

۳۲ صفحه ■ به همراه ۱۶ صفحه نیازمندی‌های شرق ویژه استان‌های تهران، قزوین و قم ■ ۱۵۰ تومان

تجدد، دین را تضعیف کرده است

گفت‌وگوی اختصاصی با دکتر سیدحسین نصر

بدون شک تجدد باعث تضعیف دین و موجب دین‌زدایی شده است و این امر در زمینه‌های گوناگون مانند اخلاق و منش اجتماعی، اقتصاد و سیاست از یک سو و فلسفه، علم و حتی تا حدی تفکر جدید دینی از سوی دیگر مشهود است. کافی است حیات روزانه یک فرانسوی در قرن چهاردهم میلادی با قرن بیستم مقایسه شود و یا افکار ژان‌پل سارتر در مقابل اندیشه‌های سنت توماس آکوئینی قرار داده شود. منتها هیچ کس حدس نمی‌زد که نفس دین‌زدایی توسط . . .

صفحه ۱۵

از اسلام هویت تا سیاست عرفی

گفت‌وگو با دکتر عبدالکریم سروش

به نظر من هر فهرستی که ما از مولفه‌ها و مقومات مدرنیته به دست بدهیم یک فهرست موقت و ناقص است. به این معنا که انواع و اقسام فهرست‌ها را می‌توان از مقومات مدرنیته به دست داد ولی قبل از اینکه من وارد بحث از مقومات مدرنیته شوم، مایلم این نکته را در اینجا به تصریح بیاورم و بر آن تأکید کنم که از «مدرنیته»، از «سنت»، از «عقل»، از «غرب» و امثال اینها به این نحو کلی سخن گفتن، ما را به هیچ جایی نمی‌رساند. وقتی که ما می‌گوییم . . .

صفحه ۱۵

تیترها

سخنگوی قوه قضائیه: ممکن است فیلم اعترافات جهانبگلو پخش شود

صفحه ۲

گروگانگیری دو ایرانی و انتقال دکل نفتی به امارات

صفحه ۱۲

گفت‌وگوی شرق با کاپیتان جدید تیم ملی

صفحه‌های ۲۱ تا ۲۴ ویژه دیدار ایران و سوریه

بازار دیروز	
یک گرم طلای ۱۸ عیار	۱۴۱۳۰ تومان
سکه تمام بهار «طرح جدید»	۱۴۳۰۰۰ تومان
نیم سکه	۷۱۵۰۰ تومان
دلار	۹۲۰ تومان
یورو	۱۱۷۶ تومان
شاخص کل بورس تهران	۹۱۸۱/۲

خبر آخر

عبدالله رمضان‌زاده قائم‌مقام دبیرکل مشارکت شد

ایلنا: اولین جلسه شورای مرکزی جبهه مشارکت ایران اسلامی در دوره جدید دوشنبه شب به ریاست محسن میردامادی دبیرکل منتخب نهمین کنگره این حزب برگزار شد. در این جلسه و در اولین گام قائم‌مقام و معاونان دبیرکل انتخاب شدند. پس از انجام رای‌گیری اعضای شورای مرکزی جبهه مشارکت، عبدالله رمضان‌زاده به عنوان قائم‌مقام دبیرکل و رئیس جبهه مشارکت منطقه تهران انتخاب شد. همچنین اعضای شورا محسن صفایی فراهانی را به عنوان معاون اجرایی، حسین کاشفی را به عنوان معاون امور مناطق و آذر منصوری را به عنوان معاون سیاسی دبیرکل انتخاب کردند.

بازگشت آزادگان در هفته‌نامه شرق

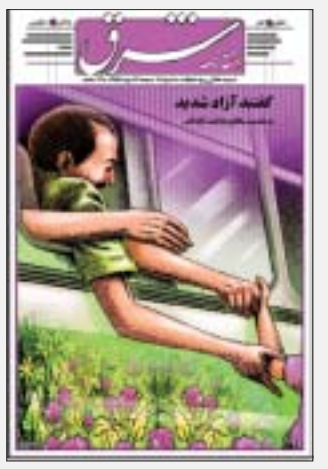

فردا منتشر می‌شود

نگرانی جنتی از همزمانی انتخابات شوراها و خبرگان

شرق: در حالی که روز دوشنبه وزیر کشور از برگزاری همزمان دو انتخابات شوراها و خبرگان در بیست و چهارم آذرماه آینده خبر داده، دبیر شورای نگهبان دیروز در تبریز درباره این همزمانی ابراز نگرانی کرد. به گزارش ایسنا احمد جنتی که در سومین همایش استانی مجلس خبرگان رهبری سخن می‌گفت، اعلام کرد نسبت به اجرای طرح تجمیع انتخابات شوراها و خبرگان دلهره دارد و اجرای آن را نگران‌کننده می‌داند. جنتی افزود: بافت شوراها با بافت خبرگان رهبری از زمین تا آسمان متفاوت است. مجلس خبرگان رهبری در نزد اکثریت مردم ناشناخته مانده است و باید فکری در این‌باره اندیشید. خبرگان رهبری جایگاه واقعی خود را در جامعه پیدا نکرده و مردم با مسائلی در جریان این مجلس آشنایی ندارند. این در حالی است که نقش مجلس خبرگان منحصر به فرد است و این مجلس بالاترین جایگاه را در نظام دارد به طوری که سرنوشت‌سازترین و تعیین‌کننده‌ترین مقام در کشور ولی فقیه است که حتی اعتبار نظام با ولایت اوست. جنتی ادامه داد: باید کاری کرد که مردم با شناخت و علاقه برای رای دادن به پای صندوق‌های رای‌گیری خبرگان بیایند. از سوی دیگر آیت‌الله امینی دیگر نماینده مجلس خبرگان رهبری در اجلاس دیروز این مجلس درباره خیانت در امانت و عدم برگزاری انتخابات سالم هشدار داد. امینی خودداری از انتخابات صحیح و سالم را خیانت به انقلاب خواند و ارتکاب هرگونه عمل خلافی در انجام این مسئولیت را توجیه‌ناپذیر خواند. امینی افزود: مسئولان نظام باید در انجام وظیفه به رعایت اخلاق اسلامی ملتزم باشند و بدانند که کوتاهی در این امر گناه محسوب می‌شود و خیانت به نظام اسلام است.

صادق لاریجانی: رای مردم به حکومت مشروعیت نمی‌دهد اما موجب کارآمدی آن است

آیت‌الله امینی: بهترین شیوه حاکمیت مراجعه به آرای عمومی است

■ مشروعیت حکومت

در کنار این موضوع همچون دیگر نشست‌های خبرگان موضوع نقش رای مردم به مباحثه‌ای مهم میان اعضای مجلس خبرگان بدل شد. در حالی که آیت‌الله امینی نایب‌رئیس مجلس خبرگان دیروز گفته است «بهترین شیوه حاکمیت مراجعه به آرای عمومی در انتخابات است که در جهان امروز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.» صادق لاریجانی عضو شورای نگهبان و دیگر نماینده مجلس خبرگان در همین اجلاس گفته است مشروعیت بر رای مردم مبتنی نیست. صادق لاریجانی در عین حال افزود: فعلیت و کارآمدی حکومت‌ها به رای مردم بستگی دارد اما رای مردم به حکومت مشروعیت نمی‌دهد. این عضو شورای نگهبان ادامه داد: گرایش‌های سیاسی - نظری و فلسفی در جهت انحراف مسائل از جاده اصلی خود در تلاش هستند اما نباید واقعیت‌ها را عوض کرد. باید با تحلیل اهمیت راه مردم ارزش آن را در جایگاه واقعی خود قرار داد. صادق لاریجانی که مدرس و محقق فلسفه اسلامی نیز هست در سخنان خود نظریات غربی را که مبنای مشروعیت حکومت‌ها را رای مردم، رضایت یا قرارداد اجتماعی می‌دانند دارای اشکالات اساسی خواند و افزود: این نظریات خلاف واقع هستند چرا که نمی‌توانند مشروعیت حکومت‌ها را توجیه کنند. وی با بیان اینکه این نظریه‌ها در خود غرب نیز مخالفان جدی پیدا کرده‌اند، آنها را فاقد توانایی لازم در توجیه مشروعیت حکومت‌ها ارزیابی کرد و در تعریف مشروعیت گفت: مشروعیت به معنای حق داشتن حاکمان و به معنای التزام شهروندان است که نمی‌تواند دایر بر مدار رای باشد. عضو مجلس خبرگان از نظریه حکومتی که در مسیر کمال انسانی و رسیدن به فعلیت اخلاقیات بحث می‌کند دفاع کرد و در پاسخ به این پرسش که آیا این نظریه با ولایت در چارچوب یک نظام دینی قابل جمع است، اظهار داشت: «حکم به اطاعت از خداوند قطعی‌ترین حکم عقلی و اخلاقی است و بالاترین الزام به اطاعت از حق است.» در کنار سخنان صادق لاریجانی، آیت‌الله امینی نیز گفته است: «اصل همه‌پرسی امری پذیرفته‌شده در نظام است و برخی مسائل آن همچون نقش همه‌پرسی در مشروعیت، وظیفه اقلیت‌ها در این رابطه و سابقه انتخابات در اسلام نیازمند پژوهش و بررسی است.»

■ نزاع تاریخی

صادق لاریجانی عضو فقهای شورای نگهبان قانون اساسی است که پیش از این نام وی در مباحثه‌های فلسفی و کلامی با دکتر عبدالکریم سروش بسیار به گوش می‌رسید. وی اولین منتقد نظریه قبض و بسط تئوریک شریعت در اواخر دهه ۶۰ بود. براساس این نظریه تاثیر پذیری معرفت دینی از معارف بشری مورد توجه قرار گرفته بود و در آن مکانیسم عصری شدن دین و تاثیر زمان بر آن نشان داده شده بود. صادق لاریجانی که در اواخر دهه ۵۰ مقاله‌ای از کارل پوپر فیلسوف مورد علاقه سروش را برای کتاب او به نام «علم چیست؟ فلسفه چیست؟» ترجمه کرده بود در مقام اولین منتقد جدی سروش ظاهر شد و به نوعی اولین شکاف فکری در صف معتقدان به جمهوری اسلامی را شکل داد. صادق لاریجانی در عین حال عضو خانواده بانفوذ لاریجانی‌ها به حساب می‌آید. خانواده‌ای که فرزندان مرحوم آیت‌الله میرزا هاشم‌آملی فقیه و مجتهد شیعه هستند و همگی در میان اندیشه و عمل سیاسی سیر می‌کنند. اولین نام‌آور این خانواده دکتر محمدجواد لاریجانی است که مدتی معاون وزیر خارجه بود، سپس به نمایندگی مجلس شورای اسلامی درآمد و رئیس کمیسیون سیاست خارجی آن شد و در حال حاضر رئیس یک موسسه تحقیقاتی علمی در نیاوران تهران است. اگر بخواهیم تبارشناسی کنیم تفکیکی که صادق لاریجانی میان مشروعیت و کارآمدی حکومت انجام داده اولین‌بار از زبان محمدجواد لاریجانی بیان شده است و اکنون صادق لاریجانی که به عضویت شورای نگهبان (به‌عنوان نهاد ممیزه مجلس و کلیه انتخابات در ایران) درآمده همان اندیشه با پشتوانه فلسفی و فقها پیگیری می‌شود. گرچه چندی پیش با نقد تئوری دموکراسی از سوی یکی از شاگردان آیت‌الله محمدتقی مصباح‌یزدی به نام محسن غرویان بحث بر سر مشروعیت حکومت به مجادله‌ای میان دو جناح اصلاح‌طلب و اصولگرا منتهی شد اما سخنان دیروز صادق لاریجانی نشانگر عمق استراتژیک این اندیشه در میان اصولگرایان ایرانی است. چرا که سخنان اخیر از سوی یک عضو شورای نگهبان که وظیفه ارزیابی مصوبات مجلس و نیز تعیین صلاحیت کلیه نامزدهای انتخاباتی را برعهده دارد بیان می‌شود. از سوی دیگر مباحثه‌هایی از این دست را نمی‌توان به نزاع میان آزادی و غیر آن تقلیل داد. در واقع اندیشه‌ای که صادق لاریجانی از آن حمایت می‌کند در تاریخ فلسفه سابقه دارد. آنجا که او از «نظریه حکومتی که در مسیر کمال انسانی و رسیدن به فعلیت اخلاقیات» دفاع کرده است. این همان الگوی حکومتی افلاطونی است که در برابر مدل حکومتی مورد علاقه ارسطو دیگر فیلسوف یونانی قرار داشت. اگر ارسطو از حکومت عامه مردم دفاع می‌کرد افلاطون مدافع حکومت خواص و فرزانگان بود. رد پای این بحث را تا زمان حاضر نیز می‌توان پیگیری کرد. سال گذشته هنگامی که در پیامی به دانشجویان (که در شرق هم منتشر شد) دکتر عبدالکریم سروش میان حقیقت و آزادی نسبتی برقرار کرد و گفت تنها در پرتو آزادی است که می‌توان به حقیقت دست یافت، دکتر محمدجواد لاریجانی در پاسخ به وی این نسبت را رد کرد و ضمن آنکه آزادی را مفهومی قابل احترام دانست اما در مقاله‌ای در روزنامه شرق تاکید کرد کشف حقیقت الزاماً از راه آزادی میسر نمی‌شود. از همین جا است که این مباحث به ظاهر انتزاعی و تئوریک وارد زندگی عادی مردم می‌شود. در حالی که اصلاح‌طلبان ایرانی راهی جز آزادی و دموکراسی پیش روی حکومت نمی‌بینند اصولگرایان ایرانی ترجیح می‌دهند مشروعیت حکومت را با ارزش‌هایی چون کمال، اخلاق و عدل بسنجند. اندیشه‌ای که به تدریج وارد همه جزئیات زندگی می‌شود.

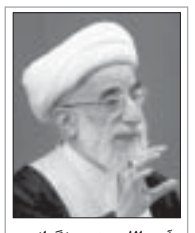

آیت‌الله جنتی: نگرانم. بافت انتخابات شوراها و خبرگان از زمین تا آسمان متفاوت است

احمد خاتمی: اگر به ایران حمله کنند پایتخت اسرائیل را هدف قرار می‌دهیم

■ برنامه‌های انتخاباتی دولت

در کنار این مباحثه باید به برنامه عملی دولت محمود احمدی‌نژاد درباره انتخابات نیز توجه کرد. در واقع سریع‌ترین اثرگذاری نظریاتی از این دست در لوایح انتخاباتی دولت احمدی‌نژاد دیده می‌شود. براساس لایحه جامع انتخاباتی این دولت فردی که نامزد ریاست‌جمهوری ایران می‌شود قبلاً باید رضایت ۲۳۰ نفر از جمله ۵۰ نماینده مجلس شورای اسلامی از ۲۰ استان، ۲۰ نماینده مجلس خبرگان از ۱۰ استان، ۱۰۰ عضو هیات علمی دانشگاه‌ها از ۱۰ استان، ۱۰ قاضی عالی‌رتبه و ۵۰ مدیر ارشد دولتی را جلب کند. اگر بر این تعداد اعضای شورای نگهبان را نیز بیفزاییم در واقع نامزد ریاست‌جمهوری باید در سه مرحله انتخاب شود: رای تمایل ۲۳۰ عضو حاکمیت، ۱۲ عضو شورای نگهبان و سرانجام اکثریت ملت ایران. به این ترتیب حتی افرادی مانند میرحسین موسوی و سیدمحمد خاتمی نیز نمی‌توانند نامزد ریاست‌جمهوری شوند. در این باره گفت‌وگوی شرق با دکتر محمد هاشمی حقوقدان برجسته ایرانی را بخوانید.

■ هشدار به اسرائیل

در حاشیه این اجلاس سیداحمد خاتمی امام جمعه موقت تهران و عضو مجلس خبرگان به آمریکا و اسرائیل هشدار داد که اگر به ایران حمله کنند موشک‌های میان‌برد ایران تل‌آویو را هدف می‌گیرند. سیداحمد خاتمی گفت: امیدوارم بوش و اولمرت درس لازم رابگیرند و فهمیده باشند بازی با اسلام همچون بازی با دم شیر است.

عکس: مهدی حسنی، شرق

لایحه جامع انتخابات در گفت‌وگوی شرق با دکتر سیدمحمد هاشمی

فیلتری برای دموکراسی

گروه حقوق، مریم باقی: ساعت، ۸/۵ شب را نشان می‌داد، اما هنوز گفت‌وگویی که ساعت ۶/۵ شروع شده بود ناتمام مانده بود و ادامه آن به موقع دیگری موکول شد. با این وجود پرسش‌هایی مجال طرح پیدا نکردند و صفحه روزنامه هم محدود است. وقتی در موضوعی به گفت‌وگو با کاردان می‌نشینیم، اشتیاق به کنکاش در زوایای یک بحث صحبت را به درازا می‌کشاند. دکتر محمد هاشمی حقوقدان و استاد حقوق اساسی از بهترین کسانی است که موضوع انتخابات را به عنوان موضوعی در قانون اساسی و حقوق عمومی می‌توان با او مطرح کرد. دو جلد کتاب حقوق اساسی او را هر دانشجوی حقوقی می‌شناسد چرا که اصولاً منبع درسی معرفی می‌شود. «حقوق بشر و آزادی‌های اساسی» عنوان آخرین کتاب اوست که انتشار یافته. محمد هاشمی عضو گروه کار بازداشت‌های خودسرانه شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد است. وی وکیل پایه یک دادگستری و عضو کمیسیون حقوق بشر کانون وکلا نیز هست. اما بیش از آنکه در قامت وکیل و فردی منتسب به کانون وکلا شناخته شود، استادی متعلق به دانشگاه است که بیشتر عمر خود را صرف تحقیق و تتبع و تدریس کرده است. او هم‌اکنون استاد دانشکده حقوق شهید بهشتی و مدیر گروه رشته حقوق عمومی در این دانشکده است. گفت‌وگو با دکتر سیدمحمد هاشمی را پیرامون موضوع انتخابات و لایحه پیشنهادی جامع انتخابات می‌خوانید.

■■■

■ پیش از آنکه وارد جزئیات شویم نگاه کلی دکتر هاشمی به حق انتخاب در ایران چگونه است؟ انتخابات و به عبارتی حق تعیین سرنوشت را در نظام حقوقی ایران چگونه ارزیابی می‌کنید؟

بسم الله الرحمن الرحیم لقد ارسلنارسلنابالبینات و انزلنا معهم الکتاب والمیزان لیقوم النّاس بالقسط . . .

قرائت این آیه مبارکه که در دیباچه قانون اساسی ایران هم ذکر شده می‌تواند فتح بابی برای درک مراتب دموکراسی و حاکمیت مردم باشد. در دین اسلام هم این موضوع نه تنها مغفول نمانده بلکه مورد توجه هم قرار گرفته است. من در ذیل این آیه و مشروعیت حاکمیت مردم به قانون اساسی استناد می‌کنم که بعد از حاکمیت مطلق بر جهان و انسان که از آن خدا است، خداوند انسان را حاکم بر سرنوشت خود قرار داده است. این موضوع در اصل ۵۶ قانون اساسی هم مذکور است. نظام جمهوری اسلامی بر این مبنای منطقی تاسیس شده. به این ترتیب نظام سیاسی کشور ما از نظر حقوقی قطعاً یک نظام دموکراتیک است ولی مردم باید فی‌الواقع ابتکار عمل داشته و نباید دنباله‌رو عده‌ای باشند. چنانچه مردم به صورت خودجوش با ایجاد نهادهای مدنی به سمت حرکت‌های مدنی، سیاسی و عرفی پیشرفته سوق یابند، در آن صورت دموکراسی جنبه عملی و واقعی به خود می‌گیرد. دموکراسی هم مانند دیگر تجربیّات در طول زمان رو به توسعه می‌گذارد. دموکراسی واقعی را باید با توسعه و پیشرفت سیاسی و اقتصادی در نظر گرفت. با درک این مراتب و با اعتراف به اینکه نظام جمهوری اسلامی یک تاسیس مردمی است، باید دید این دموکراسی چگونه نهادینه می‌شود. نهادینه شدن دموکراسی از جهت حقوقی، سیاسی و فنّی به تفکیک قابل بررسی است. از نظر حقوقی قانون اساسی ابتداتاً در اصل ششم تصریح دارد که «امور کشور باید به اتکای آرای عمومی اداره شود. از راه انتخابات . . .» دموکراسی در اکثر کشورهای جهان به‌طور غیرمستقیم اعمال می‌شود. نهادهای مردمی متعددی منجمله در کشور ما وجود دارد که من باب تمثیل یا واقعیت اصل ششم به آنها اشاره دارد. همچون ریاست‌جمهوری، مجلس شورای اسلامی، شوراها و انتخاباتی که به انتخاب رهبر منتهی می‌شود. با این ترتیب، انتخابات‌های متنوعی در کشور داریم که این تعداد انتخابات نهادهای متعددی را هم به دنبال می‌آورد.

■ حال با این وصف گمان می‌کنید انتخابات مذکور در اصل ششم قانون اساسی قابلیت برگزاری همزمان را دارند و می‌توان در یک فرصت، برای انتخابات در دو نهاد اساسی در کشور سرمایه‌گذاری کرد؟

براساس منطق سازمانی مورد نیاز در جامعه این نهادها به تفکیک تاسیس و ایجاد می‌شود. در این خصوص هم از نظر حقوقی باید انتخابات به صورت مجزا و مشخص باشد. از نظر فنی هم متقضی است که این انتخابات براساس تفکیک وظایف نهادها و متناسب با آنها انجام شود. قانون اساسی نهادهای مهم را دقیقاً در فصول مشخص عنوان کرده. فصل ششم قوه مقننه، فصل هفتم شوراها، فصل هشتم نهاد رهبری و فصل نهم نهاد ریاست‌جمهوری. با این تفکیک تفصیلی که در قانون اساسی درج شده، انتظار می‌رود هر نهادی در جای خود به‌طور منفک تاسیس شود. از ابتدای انقلاب تاکنون هم چنین بوده. در این رابطه چنانچه قرار باشد انتخابات را یک‌کاسه کنیم و بر اساس ابتکار وزارت کشور یک قانون انتخابات جامع را تدوین کنیم، این جامع بودن و یک‌کاسه کردن کلیه امور با منطق تفکیک وظایف و اختیارات، تفکیک قوا و نهادینه شدن سازمان‌های مختلف مغایرت دارد. به این ترتیب، از نظر حقوقی می‌توانیم لایحه پیشنهادی جامع انتخابات که به دولت ارائه شده را مورد انتقاد قرار دهیم. بنابراین به طور قطع و یقین انتخابات همزمان هم هیچ سازگاری‌ای با اداره امور و نهادهای حاکم ندارد.

■ پس شما دو اشکال را در جامع کردن انتخابات مطرح می‌کنید. اول انتقاد به تدوین یک لایحه جامع برای انتخابات و دیگر انتقاد در مورد تجمیع دو انتخابات در یک زمان واحد.

وقتی از نهادهای متفاوت صحبت می‌کنیم، تقسیم‌بندی نهادها با کیفیت کار آنها حتماً ارتباط مستقیم دارد بدین معنا که نهاد تقنینی و اجرایی را جدای از یکدیگر باید مورد توجه قرار دهیم و این اقتضای تفکیک قوا است. از طرفی، انتخابات محلّی ما ذاتاً و عرضاً متفاوت است. در نتیجه یک‌کاسه کردن آنها خلاف منطوق مدیریت دولتی و سیاسی است. دیدگاه تجمیع انتخابات یک تفکر بازاری و سودانگارانه است. اگر قرار بر این باشد که انتخابات مردمی داشته باشیم. انتخابات متعدد مردمی جزء افتخارات ما است و بدیهی است این امر هزینه هم دارد. ما نمی‌توانیم با ذهنیت کاسبکارانه انتخابات را در ظرف واحد قرار دهیم.

ادامه در صفحه ۴

سرمقاله

خطاهای استراتژیک اسرائیل

سید حسین موسوی

رئیس مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه

پس از ۳۳ روز جنگ ویرانگر اسرائیل علیه لبنان قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت از صبح روز دوشنبه ۲۳ مرداد به اجرا گذاشته شد و عملیات جنگی از سوی اسرائیل و مقاومت اسلامی لبنان متوقف شد. همزمان با پایان یافتن عملیات جنگی ارزیابی‌های گوناگونی در مورد این جنگ و عناصر پیروز و بازنده آن آغاز شد.

در اسرائیل و بلافاصله پس از توقف جنگ، اختلاف نظر میان احزاب سیاسی در مورد انگیزه‌ها و هدف‌های جنگ ۳۳ روزه اسرائیل آغاز شد. شدت این اختلاف نظرها به حدی است که به گفته یکی از تحلیلگران اسرائیلی جنگ میان ژنرال‌ها و سیاستمداران اسرائیل ممکن است به سقوط دولت ایهود اولمرت بینجامد. در این نوشتار کوشش می‌شود پاره‌ای از خطاهای استراتژیک اسرائیل از اجرای عملیات دامنه‌دار علیه لبنان مورد بررسی قرار گیرد. به‌نظر می‌رسد خطاهای اسرائیل در این جنگ به‌زودی در میان محافل سیاسی این رژیم به‌عنوان سرفصل بحران سیاسی آینده اسرائیل مطرح خواهد شد.

۱- پیش از هر چیز باید به موضوع بازندگی اسرائیل در این جنگ اشاره کرد و آن را قطعی به‌شمار آورد. دلایل این داوری قطعی فراوان است اما اشاره به یکی از آنها که از زبان اولمرت نخست‌وزیر اسرائیل بیان شد کفایت می‌کند. ایهود اولمرت در سخنان عصر روز دوشنبه خود یعنی چند ساعت پس از توقف عملیات جنگی که در کنست ایراد شد به نکته مهمی اشاره کرد که از دید بسیاری از ناظران سیاسی به‌ویژه آنها که بر سر طرف پیروز و بازنده این جنگ داوری‌های متناقضی ابراز کردند پنهان ماند. اولمرت به‌عنوان نخست‌وزیر رژیم تل‌آویو و فرمانده نیروهای مسلح گفت: «شخصاً مسئولیت جنگ علیه لبنان را به تنهایی به عهده می‌گیرم و این مسئولیت تجزیه‌پذیر نیست.» بر آگاهان امور سیاسی پوشیده نیست که رهبران سیاسی کشورها فقط هنگامی مسئولیت پیامدهای یک جنگ را شخصاً به عهده می‌گیرند که در آن شکست خورده باشند. این اظهارنظر رسمی نخست‌وزیر اسرائیل شباهت فراوانی به سخنرانی معروف جمال عبدالناصر رهبر فقید مصر پس از شکست ارتش‌های عرب در جنگ شش روزه ژوئن ۱۹۶۷ دارد که مسئولیت فاجعه جنگ را شخصاً به عهده گرفت. با این تفاوت که عبدالناصر در آن زمان از مقام خود به‌عنوان رئیس‌جمهور مصر استعفا کرد و اگر تظاهرات وسیع مردم مصر در ۱۲ ژوئن ۱۹۶۷ و خواست میلیون‌ها جمعیت مصر نبود، جمال عبدالناصر از تصمیم خود مبنی بر کناره‌گیری از مقام ریاست‌جمهوری صرف‌نظر نمی‌کرد. ایهود اولمرت نه تنها مسئولیت جنگ را شخصاً به عهده گرفت، بلکه در برابر افکار عمومی جهان که سخنان او را از شبکه‌های تلویزیونی تعقیب می‌کردند، رهبران حزب‌الله را تهدید کرد که اسرائیل یکایک آنها را تعقیب و مجازات خواهد کرد و به صورت آشکار سیاست تروریسم دولتی رژیم تل‌آویو را مورد تایید قرار داد. از این رو اعتراف ضمنی نخست‌وزیر اسرائیل به شکست در جنگ علیه حزب‌الله لبنان و پذیرش مسئولیت آن دیگر جایی برای شک و تردید نسبت به شکست قطعی اسرائیل و نیروهای مسلح آن باقی نمی‌گذارد.

۲- مهمترین خطای اسرائیل در جنگ علیه لبنان، بالا بردن سقف مطالبات خود از لحظه شروع آن بود. بازگرداندن بی‌قید و شرط دو سرباز اسرائیلی، خلع سلاح حزب‌الله و اجرای قطعنامه ۱۵۵۹ شورای امنیت در راس لیست مطالبات اسرائیل قرار گرفت. اسرائیل بر این باور بود که در سایه همراهی و بلکه همکاری همه‌جانبه ایالات متحده آمریکا و سکوت رضایتمندانه رهبران برخی کشورهای عربی می‌تواند در فاصله هفت تا ده روز زیرساخت نظامی مقاومت اسلامی لبنان را منهدم کرده و حزب‌الله این کشور را برای همیشه از نقشه سیاسی لبنان حذف می‌کند. خوشبینی نهاد نظامی اسرائیل در این زمینه تا آنجا بود که به گمان ژنرال‌های ارشد، «گردان گولانی» یعنی ورزیده‌ترین واحد نظامی اسرائیل پس از یک هفته بمباران بی‌سابقه هوایی و در یک فرصت ۴۸ ساعته ماموریت پاکسازی منطقه جنوب لبنان را از مقاومت اسلامی لبنان با موفقیت به اجرا می‌گذارد. این گمانه‌زنی ژنرال‌های ارتش اسرائیل نه تنها تحقق نیافت بلکه ارتش اسرائیل در هفته سوم جنگ ناگزیر شد ۳۰هزار نیروی پیاده‌نظام را با صدها تانک و پوشش بی‌نظیر آتش هوایی همراه با پشتیبانی وسیع نیروی دریایی وارد میدان جنگ کند. با خاتمه یافتن عملیات جنگی در روز دوشنبه ۲۳ مرداد نه تنها دو سرباز اسرائیلی آزاد نشدند و نه‌تنها زیرساخت نظامی حزب‌الله لبنان آسیب جدی ندید بلکه تلفات ارتش اسرائیل در این جنگ به گونه‌ای بی‌سابقه افزایش پیدا کرد و توان شلیک موشک به وسیله مقاومت اسلامی تا آخرین ساعات پیش از توقف عملیات جنگی محفوظ ماند و بالاخره موضوع خلع سلاح حزب‌الله حداقل از دستور کار نظامیان اسرائیل در هفته سوم جنگ خارج شد. خانم لونی وزیر خارجه اسرائیل در روزهای پایانی جنگ در یک اعتراف کم‌سابقه گفت: «نه ارتش اسرائیل و نه هیچ ارتش نیرومند جهانی قادر به خلع سلاح حزب‌الله نیست.» بنابر این ارتش اسرائیل در رویارویی نظامی نتوانست حتی یکی از مطالبات خود را تحقق دهد. این گفته ایهود اولمرت در کنست اسرائیل که «با اجرای قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت معادله جنوب لبنان به کلی دگرگون خواهد شد» آشکارترین اعتراف اسرائیل به پذیرش شکست در جنگ ششم خود با یک نیروی مقاوم غیرکلاسیک به شمار می‌رود. یکی از تحلیلگران نظامی تلویزیون اسرائیل در اشاره ضمنی به این شکست اسرائیل گفت که ارتش اسرائیل باید برای همیشه با جنگ کلاسیک وداع کند.

ادامه در صفحه ۹